



Vol. 12 | Issue. 45 | 2025 |

<https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir>

<https://10.22034/jpti.2025.518681.1448>

Thoughts Research of Religious Peace-Oriented in Today's Iran

Rahman Mohammadzade 

PhD in Iranology, Faculty of World Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

mohamadzade1980@ut.ac.ir

Roghaye Nasiriniya 

Graduate of Information Technology Engineering, Payam Noor University, Parand, Tehran, Iran.

roghienasirinia@gmail.com

| Article Info | Abstract |
|---|--|
| <p>Article Type: Research Article</p> <p>Received: 2025/09/03</p> <p>Revised: 2025/09/27</p> <p>Accepted: 2025/10/01</p> <p>Published Online: 2025/10/22</p> | <p>This study adopts an intellectual-historical approach using the Layered Method in Thought Studies to explore the religious peace-oriented thought in contemporary Iran (the Islamic Republic period). The research proceeds through three main stages: Pre-thought analysis, which clarifies the conceptual framework, background, and key indicators of religious pacifism; Thinker identification, focusing on major figures such as Na'amatollah Salehi Najafabadi, Mehdi Bazargan, Mohammad Mojtahed Shabestari, Seyyed Mostafa Mohaghegh Damad, Abdolkarim Soroush, Mohsen Kadivar, Mohammad Jafar Amir-Moezzi, and Ali Akbar Alekhani; Thought analysis, which examines their works on peace, violence, and coexistence. The findings show that religious peace-oriented ideas in Iran emerged amid post-revolutionary political and social crises, the Iran–Iraq war, ideological interpretations of religion, and the tension between idealism and political realism. According to these thinkers, the main causes of violence and non-peacefulness in Iranian society include political conflicts, militant interpretations of Islam, legitimization of violence through jurisprudential rules, official and absolutist readings of religion, ideological rigidity, infiltration of pre-Islamic violent culture, epistemological confusions in understanding religion, and “sacred ignorance.” In response, they propose various solutions such as unity, religious democracy, ethical interpretation of war and peace in Shi'i thought, pluralism, and the development of a theology of peace.</p> <p>Keywords: Peace, Religion, Contemporary Iran, Religious Thought, Tolerance, Coexistence.</p> |



اندیشه‌شناسی صلح‌گرایی دینی در ایران امروز

رحمان محمدزاده ^{ID}

دانش‌آموخته دکتری ایران‌شناسی، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

mohamadzade1980@ut.ac.ir

رقیه نصیری نیا ^{ID}

دانش‌آموخته مهندسی فناوری اطلاعات، دانشگاه پیام نور پرند، تهران، ایران.

roghienasirinia@gmail.com

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|-------------------|-------|
| نوع مقاله: پژوهشی | |
| تاریخ دریافت: | |
| ۱۴۰۴/۰۶/۱۲ | |
| تاریخ بازنگری: | |
| ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ | |
| تاریخ پذیرش: | |
| ۱۴۰۴/۰۷/۰۹ | |
| انتشار آنلاین: | |
| ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ | |
| صفحات: | |
| ۱۴۱ - ۱۱۳ | |

این پژوهش با رویکردی اندیشه‌پژوهانه و با به‌کارگیری روش «لایه‌ای در اندیشه‌پژوهی»، به واکاوی و تحلیل اندیشه‌های صلح‌گرایی دینی در ایران معاصر (دوره جمهوری اسلامی) می‌پردازد. در این چهارچوب، نویسندگان سه مرحله اصلی را دنبال کرده‌اند: پیش‌اندیشه‌شناسی؛ شامل تبیین مفاهیم، زمینه‌ها و شاخص‌های نظری صلح‌گرایی دینی. اندیشمندشناسی؛ شناسایی متفکران شاخص این جریان مانند نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، مهدی بازرگان، محمد مجتهد شبستری، سید مصطفی محقق داماد، عبدالکریم سروش، محسن کدیور، محمدجعفر امیرمحللاتی و علی‌اکبر علیخانی. اندیشه‌شناسی؛ تحلیل محتوای آثار آنان درباره صلح، خشونت و همزیستی. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه‌های دینی صلح‌گرا در بستر بحران‌ها و منازعات سیاسی-اجتماعی پس از انقلاب، جنگ ایران و عراق، قرائت‌های ایدئولوژیک و رسمی از دین و تضاد میان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی سیاسی شکل گرفته‌اند. از دید این متفکران، علل اصلی خشونت و ناصحی در جامعه عبارتند از: منازعات سیاسی، قرائت جنگ‌طلبانه از اسلام، توجه خشونت با قواعد فقهی، قرائت رسمی و مطلق‌گرایانه از دین، ایدئولوژی‌گرایی، رسوخ خشونت جاهلی در فرهنگ دینی، خلط‌های معرفت‌شناختی در فهم دین و جهل مقدس. در برابر این مشکلات، راهکارهایی چون وحدت، دموکراسی دینی، تفسیر اخلاقی از جنگ و صلح بر پایه آموزه‌های شیعی، پلورالیسم و توسعه الهیات صلح پیشنهاد شده است.

کلیدواژه‌ها: صلح، دین، ایران امروز، اندیشه‌های دینی، مدارا، همزیستی.

مقدمه

در دوران جمهوری اسلامی، اندیشه‌های صلح‌گرا با رویکردهای متنوعی مانند فلسفی، عرفی، سکولار، تلفیقی و... از سوی اندیشمندان و متفکران این حوزه‌ها مطرح شده است. متفکران اندیشه‌های دینی صلح‌گرا در دوران بروز مشکلات و بحران‌هایی چون منازعات سیاسی-اجتماعی، جنگ، تنش‌های سیاسی با غرب به‌ویژه با آمریکا، با استدلال‌های خود، صلح، مدارا و همزیستی را به افراد، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی توصیه می‌کنند. مسئله این پژوهش، شناخت محتوای این اندیشه‌ها، زمینه‌های شکل‌گیری و مبانی آن‌هاست. براین اساس، پرسش اصلی این است که اندیشه‌های صلح‌گرای دینی در دوره جمهوری اسلامی کدام‌اند و چه ابعادی دارند؟ در راستای پاسخ به این پرسش باید به پرسش‌های فرعی دیگری نیز پاسخ داد: این اندیشه‌ها از چه زمان و چگونه شکل گرفته‌اند؛ اندیشمندان و متفکران آنچه کسانی بوده و هستند؛ چه مباحثی را در این زمینه مطرح کرده‌اند؛ استنادات آن‌ها به چه منابعی بوده است؛ ایده‌ها و پیامدهای محوری آنان در این باره کدام‌اند و درنهایت، چه راهکارهایی را برای صلح‌گرایی و همزیستی در جامعه توصیه و تجویز می‌کنند؟

در این پژوهش مقصود از «اندیشه» معنای خاص آن است که عبارت است از: «مباحث کمابیش منسجم برآمده از یک نظام معرفتی که با رویکردهای هنجاری، تجویزی، تبیینی، تفسیری و سنجشی به مسائل و موضوعات حوزه تخصصی مربوطه می‌پردازد و دغدغه اصلی آن، حل مسائل یا پیشرفت در یکی از حوزه‌های تخصصی انسانی و اجتماعی است» (علیخانی، ۱۴۰۱، صص. ۴۴-۴۵). براین اساس، مقصود از «اندیشه‌های دینی صلح‌گرا» در این پژوهش عبارت است از: مباحث معرفتی منسجمی که روابط صلح‌آمیز، همزیستی، رواداری، تساهل و تسامح را بر اساس آموزه‌های دین اسلام، شامل آیات قرآن کریم، سیره پیامبر (ص) و روایات ائمه معصوم بر تعاملات سیاسی-اجتماعی و زندگی انسان‌ها توصیه و تجویز می‌کنند. مقصود از «ایران امروز»، دوره جمهوری اسلامی است.

۱. پیشینه پژوهش

بر اساس جستجوهای انجام شده، تاکنون پژوهش مستقلی با عنوان «اندیشه‌های دینی صلح‌گرا» صورت نگرفته است؛ با این حال، برخی از پژوهش‌ها به صورت غیرمستقیم با این

موضوع ارتباط دارند که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر دسته‌بندی کرد.

دسته نخست: پژوهش‌هایی که موضوعاتی مانند جهاد و صلح در اسلام، اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز، تساهل و رواداری در اسلام را بررسی نموده‌اند. این دسته از پژوهش‌ها، به مفهوم و ابعاد صلح در اسلام و فقه شیعه پرداخته و تلاش کرده‌اند تا با استناد به آیات قرآن کریم، سیره پیامبر^(ص) و روایات ائمه شیعه، چهره‌ای رحمانی و صلح‌گرا از اسلام معرفی کنند (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲؛ فیرحی، ۱۳۸۸؛ سودمندی، ۱۳۹۳؛ رشاد، ۱۳۹۸؛ ایازی، ۱۴۰۰؛ حقیقت، ۱۴۰۰؛ علیخانی، ۱۳۹۳؛ محقق داماد، ۱۳۹۸؛ آرایش و همکاران، ۱۴۰۱).

دسته دوم: پژوهش‌هایی که صلح و همزیستی در اندیشه انقلاب اسلامی (اسلامی، ۱۳۹۵؛ حق‌گو و شکوهی، ۱۳۹۹) و استکبارستیزی و صلح در سیاست خارجی جمهوری اسلامی (دهقانی فیروزآبادی و روحی، ۱۳۹۷) و صلح و همزیستی از منظر امام خمینی (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۵؛ فوزی، ۱۳۹۶؛ برخوردار، ۱۳۹۹) را بررسی کرده‌اند.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند که بر اساس چهارچوب و روش لایه‌ای در اندیشه پژوهی، اندیشه‌های دینی صلح‌گرا در دوران جمهوری اسلامی ایران را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد؛ متفکران و پژوهشگران آنان را در حد توان و بر مبنای شاخص‌های کیفی و کمی اندیشه‌ای، شناسایی و معرفی کند و در نهایت، اندیشه‌ها و پژوهش‌های آنان را در ارتباط با صلح‌گرایی دینی در جامعه ایران، به‌طور نظام‌مند، شناسایی، دسته‌بندی و تحلیل نماید.

۲. روش تحقیق

در این مقاله، از روش تحقیق «لایه‌ای در اندیشه پژوهی» استفاده شده است که به‌موجب آن، پژوهش در سه مرحله صورت می‌گیرد که فهم و شناخت اندیشه را برای پژوهشگران میسر می‌سازد. ممکن است تمام مراحل، لایه‌ها و گام‌های تعیین شده در این روش، در مورد همه اندیشه‌ها و متفکران، موضوعیت نداشته باشد یا اینکه فرصت و امکان بررسی همه آن‌ها به دست نیاید. مراحل پنج‌گانه عبارتند از:

مرحله نخست، پیش‌اندیشه‌شناسی: این مرحله به‌مثابه نقشه راه است که مطابق با آن حرکت کرده و موارد تعیین شده در طول تحقیق به کار می‌رود. شاخص‌شناسی اندیشه؛ مسئله‌شناسی اندیشه؛ گونه‌شناسی الگوهای پژوهش و انتخاب الگوی مناسب و تعیین سطح

تحقیق از لایه‌های مرحله نخست است (علیخانی، ۱۴۰۱، صص. ۷۵-۹۱). در این لایه پژوهشگر باید سطح تحقیق را در قالب یکی از الگوها و در پنج سطح، توصیف، تحلیل، تبیین، تفسیر و نقد یا ترکیبی از همه موارد مشخص کند. الگوی تعیین شده در این پژوهش، در دو سطح توصیف و تحلیل اندیشه‌هاست (علیخانی، ۱۴۰۱، صص. ۹۰-۹۱).

مرحله دوم، اندیشمندشناسی: این مرحله شناخت خود اندیشمند است که به‌عنوان حلقه واسط میان مرحله اول به دوم، پیش‌اندیشه‌شناسی به اندیشه‌شناسی است. در این مرحله، اندیشمندان و متفکران دارای اندیشه‌های دینی صلح‌گرا، شناسایی و معرفی می‌شوند (علیخانی، ۱۴۰۱، صص. ۱۰۸-۹۳).

در این مرحله به معرفی متفکران اندیشه‌ای صلح‌گرا در دوران جمهوری اسلامی که اندیشه‌های آنان موضوع این تحقیق است می‌پردازیم. در ابتدای این مبحث لازم است به این نکته اشاره کنیم که نگارنده در این تحقیق، دو شاخص برای معرفی منادیان جریان تعیین کرده است که بر اساس روش و یافته‌های پژوهش است. ممکن است در زمینه این جریان، عاملان دیگری نیز وجود داشته باشند یا در آینده به‌عنوان عاملان جدید معرفی شوند؛ با این حال، آنچه از نظر راقم این سطور مبنای شناخت و معرفی عاملان قرار گرفته، دارا بودن شاخص‌های کیفی و کمی اندیشه منادیان خرده‌جریان است که شامل موارد زیر می‌شود:

۱. **شاخص‌های کیفی:** از آنجاکه رویکرد این پژوهش اندیشه‌ای است، کسانی به‌عنوان منادیان این اندیشه‌ها در نظر گرفته می‌شوند که دارای نظام اندیشه‌ای باشند. ممکن است افرادی نیز در محافل و نشست‌ها درباره صلح سخن گفته یا یادداشت‌های مطبوعاتی نوشته باشند، اما آنچه در این تحقیق به‌عنوان شاخص‌های کیفی نظام اندیشه‌ای برای منادیان مدنظر است، عبارتند از:

۱. در یک نظام معرفتی کلان‌تر ریشه دارد.
۲. در قالب استانداردهای علمی مطرح می‌شود.
۳. مشکلات، مسئله‌ها و بحران‌های جاری جامعه- در حوزه تخصصی هر اندیشه‌ای- محور آن است.

۴. مباحث آنان صبغه و رویکرد هنجاری، تجویزی و حل مسئله دارند.
 ۵. به علل و ریشه‌های مشکلات، عقب‌ماندگی و انحطاط در موضوع مورد بحث می‌پردازند (علیخانی، ۱۴۰۱، صص. ۴۴-۴۵).

۲. **شاخص کمی:** شاخص دوم برای انتخاب منادیان، تعداد آثار منتشر شده آن‌هاست. کسانی را به‌عنوان منادیان اندیشه‌ای جریان صلح محسوب کرده‌ایم که آثار علمی در قالب کتاب، مقاله علمی و ... در زمینه صلح منتشر کرده باشند یا دارای آثار جایگزین در حوزه صلح باشند.

مرحله سوم، اندیشه‌شناسی: این مرحله بدنه اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهد و دو مرحله پیشین، صرفاً مقدمه و زمینه‌ای برای فهم بهتر این مرحله محسوب می‌شوند. لایه‌های این مرحله که آشکارا به محتوای اندیشه متفکر یا متفکران مورد مطالعه می‌پردازد عبارتند از: مباحث‌شناسی اندیشه، مسئله‌شناسی اندیشه، هدف‌شناسی اندیشه و ارائه راهکار (علیخانی، ۱۴۰۱، صص. ۱۲۱-۱۰۹).

۳. اندیشه‌های دینی صلح‌گرا در ایران امروز

۳-۱. متفکران و پژوهشگران اندیشه‌های صلح‌گرا با رویکرد دینی

بر اساس یافته‌های این پژوهش، برخی از متفکران و پژوهشگرانی که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع صلح‌گرایی از منظر اسلام پرداخته‌اند، عبارتند از: نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی، مهدی بازرگان، محمد مجتهد شبستری، سید مصطفی محقق داماد، عبدالکریم سروش، محسن کدیور، محمدجعفر امیرمحلّاتی و علی‌اکبر علیخانی.

۴. زمینه‌ها و شرایط سیاسی اجتماعی ظهور اندیشه‌های دینی صلح‌گرا

در گام نخست، اوضاع و شرایط سیاسی - اجتماعی ایران که اندیشه‌های دینی صلح‌گرا در پاسخ به مسئله‌های برخاسته از آن پدیدار شده‌اند، بررسی می‌شود. این شرایط در ادامه تشریح می‌گردند.

۴-۱. تضادهای ایدئولوژیک خشونت‌زا میان جریان‌های سیاسی

در دوران پیش از انقلاب، مهم‌ترین عامل ائتلاف و وحدت نیروهای درگیر در انقلاب، تعارض با شاه و حکومت پهلوی بود؛ پس از پیروزی انقلاب، این ائتلاف به سرعت از هم گسست و ساختارهای معنایی متفاوتی از قدرت سیاسی، جامعه، اقتصاد و فرهنگ بازتولید شد و عرصه را به ناهمگونی و منازعات سیاسی - اجتماعی جریان‌ها، گروه‌ها و طیف‌های مختلف سیاسی اعم از اسلام‌گرا، ملی - مذهبی، لیبرال و چپ‌گرای مارکسیسم سوق داد. اگرچه تکثر و تعدد نیروهای سیاسی و اجتماعی نویدبخش ایجاد فضای باز سیاسی و گامی به سوی دموکراسی بود، منازعات سیاسی در ماه‌های نخست پس از انقلاب منجر به رادیکال شدن و افزایش خشونت‌های سیاسی و اجتماعی شد.

یکی از مهم‌ترین علل ایجاد چنین اوضاعی، «تضادهای ایدئولوژیکی و فکری» بود که در مسائلی مثل، شورای انقلاب، دولت موقت، آزادی مطبوعات، پیش‌نویس قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، انقلاب فرهنگی و ماجرای گروگان‌گیری سفارت آمریکا خود را نشان می‌داد (بنی‌صدر، ۱۳۸۰، صص. ۱۱۸-۱۱۳). هرچند در این دوره، قدرت سیاسی در اختیار دو جریان لیبرال - مذهبی (نهضت آزادی) و اسلام‌گرا (حزب جمهوری اسلامی) بود، گروه‌های دیگر نیز درگیر منازعات سیاسی می‌شدند که گاه منجر به خشونت‌های سیاسی و حتی فیزیکی، مانند شکنجه، قتل و ترور شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی، می‌شد (فوزی، ۱۳۸۶). در این باره می‌توان به اقدامات رادیکال و خشونت‌آمیز گروه‌های چپ‌گرا و مارکسیستی و برخی از اسلام‌گراهای تندرو مانند سازمان مجاهدین خلق و گروه فرقان اشاره کرد.

۴-۲. جنگ ایران و عراق

با آغاز جنگ میان ایران و عراق در سال ۱۳۵۹، منازعات سیاسی میان گروه‌ها و جریان‌ها وارد گام جدیدی شد. مشارکت همه گفتمان‌ها، جریان‌ها و گروه‌های موجود در صحنه جنگ، به معنای توافق آن‌ها بر سر معنا و واقعیت نهایی آن نبود. «جنگ»، هم‌زمان نه‌اجمی با هدف تجزیه بخشی از تمامیت سرزمینی ایران (گفتمان ملی‌گرا)، منازعه‌ای امپریالیستی علیه انقلاب (گفتمان چپ‌گرا)، مبارزه جبهه کفر علیه جبهه حق (گفتمان اسلام سیاسی) و

نظایر آن تفسیر می‌شد. با آنکه ادامهٔ جنگ، تبعات و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای کشور در پی داشت، اما روند موجود، حاکی از تلاش مؤثر گفتمان «اسلام سیاسی» برای تحلیل جنگ بود که کم‌کم حول مفاهیمی مانند «جنگ کفر علیه اسلام»، «مقاومت»، «شهادت»، «بسیجی» و... شکل می‌گرفت.

منازعه بر سر مفهوم جنگ، به‌صورت بخشی از منازعه گفتمان‌ها بر سر تعیین محتوای نظم سیاسی نیز محسوب می‌شد که به شکل معناداری در نحوهٔ برخورد نیروها با مسئله جنگ و طولانی شدن یا نشدن آن پس از آزادسازی خرمشهر تأثیرگذار بود. از نگاه جریان «اسلام فقاهتی» یا انقلابیون، هر تلاشی برای تأثیر گذاشتن بر سرنوشت جنگ، از طریق سیاسی و به‌منظور ایجاد صلح و پایان آن، به‌عنوان حرکتی لیبرالی، سازشکارانه و غیرانقلابی، ارزیابی و مورد واکنش قرار می‌گرفت. این واکنش‌ها به پیوستگی عمیق‌تر جنگ با گفتمان انقلابی کمک می‌کرد که تقریباً تا پایان جنگ ادامه داشت (همتی و دلاوری، ۱۳۹۴).

۳-۴. تفوق جریان سیاسی اسلام‌گرا و به حاشیه رفتن رقبا

با برکناری بنی‌صدر و تفوق جریان اسلام‌گرا یا مکتبی‌ها، سایر جریان‌های سیاسی دیگر مانند لیبرال‌ها، ملی‌گراها و چپ‌گراها مارکسیسم، به‌عنوان «دگرهای غیرقانونی» از صحنهٔ سیاسی این دوره حذف شدند و عرصهٔ سیاسی برای کنشگری آن‌ها فراهم شد؛ بنابراین دورهٔ تکثرگرایی سیاسی، جای خود را به یکدست شدن سیاسی و کم‌کم خارج شدن رقبا از صحنهٔ سیاست داد که گامی مهم، در جهت استقرار نظام جمهوری اسلامی به حساب می‌آمد (دلاوری و همکاران، ۱۳۹۹).

فضای سیاسی کشور پس از حوادث سال ۱۳۶۰، همواره تحت تسلط دو جناح چپ و راست اسلامی و در قالب دو سازمان اصلی، یعنی حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی بود که می‌توان آن‌ها را نیای دو جریان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی دانست (شادلو، ۱۳۸۶، ص. ۲۱).

گروه‌های اسلام‌گرا با عناوینی همچون «اسلام سیاسی»، «مکتبی» و «فقاہتی»، توانستند با مفصل‌بندی گفتمان سیاسی خود حول دو مفهوم «اسلامیت» و «جمهوریت» در سایهٔ مفهوم سومی به‌عنوان «ولایت فقیه»، به‌منزلهٔ گفتمان هژمون، عرصهٔ سیاسی را در اختیار خود بگیرند.

گفتمان اسلام سیاسی به دنبال «غیریت‌سازی»، «برخورد قاطع با غرب» و «استکبارستیزی»، «خدمت به ایران از طریق اسلام» و «صدور انقلاب» بود که به‌عنوان دستاورد «آرمان‌گرایی پسا‌جنگ» محسوب می‌شد (فوزی، ۱۳۹۰).

۴-۴. دوگانگی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی سیاسی در دوران سازندگی

پس از پایان جنگ، زمینه‌ی طرح نگرش‌های جدید از سوی جریان‌های اسلام‌گرا و بازنگری در برخی شعارها و مواضع در شرایط سیاسی و اقتصادی کشور فراهم شد. از سوی دیگر، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکست کمونیسم و با غلبه‌ی لیبرالیسم در فضای «گفتمان جهانی»، برخی جریان‌ها تحت تأثیر این فضای فکری، به دفاع از لیبرالیسم و سکولاریسم اسلامی و نقد برخی از مبانی فکری حکومت دینی پرداختند.

رقابت سیاسی در این دوره میان دو جریان سیاسی «اصول‌گرا» و «اصلاح‌طلب» بود. درحالی‌که هر دوی این جریان‌ها بر آرمان‌های انقلاب تأکید داشتند، اصول‌گراها سیاست‌هایی مانند حمایت و تقویت دولت در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اتخاذ رویکرد رادیکال علیه منتقدان سیاسی و غرب، به‌ویژه آمریکا، در پیش گرفتند. درسوی‌دیگر، جناح اصلاح‌طلبان، خواستار سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی و حتی اقتصادی بازتر و گفتگو با غرب و نگاهی تساهل و تسامح‌آمیز به حاکمیت ارزش‌های دینی در جامعه بودند (فوزی، ۱۳۹۰). چنین فضای دوگانه‌ای علاوه بر ایجاد «تحکم» و «انسداد سیاسی»، منازعات سیاسی و اجتماعی میان افراد و جریان‌ها را تشدید می‌کرد که تا انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ تداوم داشت.

۴-۵. عدم نهادسازی سیاسی در دولت اصلاحات

با روی کار آمدن دولت اصلاحات، مطالبات جدیدی در عرصه‌ی سیاست، با مشارکت نیروهای اجتماعی جدید از قبیل روشنفکران دینی، دانشجویان، زنان و جوانان ایجاد شد. هم‌زمان شاخص‌هایی همچون دسترسی به اطلاعات و سطح تحصیلات و میل به مشارکت سیاسی افزایش یافت. در عرصه‌ی جهانی، فروپاشی شوروی، جان تازه‌ای به «موج دموکراتیزاسیون» بخشید که از دهه‌ی هفتاد میلادی آغاز شده بود. در داخل ایران و در عرصه‌ی روشنفکری دینی،

طیفی از اندیشمندان مباحث جدیدی مطرح ساختند؛ برخی از کنشگران سیاسی در قالب گروه‌های سیاسی و مذهبی مثل مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و دفتر تحکیم وحدت، وارد فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شدند (اباذری و روزخوش، ۱۳۹۶). در این دوره، ادبیات سیاسی- اجتماعی جدیدی با مفاهیمی مانند اصلاحات، توسعه سیاسی، قانون‌گرایی، حقوق شهروندی، عدالت و کرامت انسانی و در حوزه فرهنگ؛ «مشارکت فرهنگی»، «گفتگوی فرهنگی»، «ارتباطات میان فرهنگی» و نظایر آن، ظهور کرد؛ در این دوران، به‌جز گروه‌های نزدیک به یکی از دو جناح «اصلاح‌طلب» و «اصول‌گرا»، هیچ‌امکانی برای فعالیت تشکیلاتی سایر گروه‌های سیاسی مهیا نشد و سیاست‌ورزی در قالب جناحی با برخی فرازوفرودها ادامه یافت؛ هرچند، در میان اصلاح‌طلبان، در مجموع احزاب بیشتری تقویت شدند. با وجود تأکید اصلاح‌طلبان و شخص سید محمد خاتمی بر مهیا کردن امکان فعالیت سیاسی قانونی برای همه گروه‌های سیاسی، این شعار هیچ‌گاه قابلیت تحقق نیافت و کم‌کم در دوران اصلاحات به محاق رفت.

به اعتقاد برخی از صاحب‌نظران، اگرچه دوران اصلاحات، شرایط گفتگو و ترک منازعات سیاسی داخلی میان افراد، جریان‌ها، گروه‌ها و احزاب فراهم شد، کم‌کم نوعی دوگانگی میان مفاهیم اصلاح‌طلبی از یک‌سو و «جریان انقلابی» پدید آمد که زمینه‌ساز تندروی و خشونت‌آمیز شدن فضای سیاسی و اجتماعی دوره اصلاحات شد که می‌توان به حوادثی مانند حادثه کوی دانشگاه، قتل‌های زنجیره‌ای، دستگیری، حبس و شکنجه برخی از روشنفکران اشاره کرد. چنین اوضاعی، زمینه شکل‌گیری گفتمان جدیدی با عنوان «گفتمان عدالت‌محور یا اصول‌گرای اسلامی» را فراهم نمود (مقصودی و راهبر، ۱۳۹۴).

۶-۴. تداوم منازعات سیاسی داخلی و بدینی به غرب در دولت اصول‌گرا

دولت نهم موسوم به دولت اصول‌گرا، پس از انتخابات سال ۱۳۸۴ و با ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد تشکیل شد. اهداف و شعارهای این دولت با محوریت مبارزه با فساد و عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار ضعیف و حاشیه‌شهری و روستایی، یادآور بازگشت آرمان‌ها و اصول انقلاب و جنگ بود.

دولت نهم، در دو جبهه داخلی و خارجی با چالش‌هایی مواجه بود که ریشه در دولت‌های گذشته داشت. موضع‌گیری و انتقادهای تند دولت نهم علیه دولت‌های پیشین، به «دگرسازی» و «غیریت‌سازی» در عرصه سیاسی داخلی انجامید که تقریباً تا پایان دولت دهم نیز تداوم داشت. در عرصه سیاست خارجی، دولت‌های نهم و دهم و جریان حامی آن، با یک بی‌اعتمادی تاریخی نسبت به غرب (که حاصل ایدئولوژی بدبینی و تضاد با غرب و اسرائیل به‌عنوان دگرهای خارجی بود) مواجه بود.

به‌طور کلی، سیاست خارجی این دوره «تهاجمی - تقابلی» بود که با وجود رادیکال بودن آن، همواره یک الگوی ثابت بیشتر نداشت. پیامدها و نتایج چنین سیاست‌هایی در مورد مسئله پرونده هسته‌ای ایران، صدور سه قطعنامه شورای حکام، یک بیانیه و چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران بود که تحریم‌های اقتصادی و فشارهای سیاسی برای کشور در پی داشت (حاجی یوسفی، ۱۳۸۹).

۴-۷. مسئله پرونده هسته‌ای ایران

«دولت تدبیر و امید» یا دولت اعتدال با اولویت سیاست خارجی «تعامل و گفتگو با غرب» بر اساس احترام متقابل آغاز به کار کرد و با رویکرد جدید و تکیه بر عمل‌گرایی انتقادی در بازتعریف اصول هویت‌بخش، اعم از استقلال‌جویی، عدالت‌جویی و مقاومت و اولویت دادن به منافع ملی در برابر مصالح اسلامی، بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی تأکید داشت و خواهان قبول حق غنی‌سازی در چهارچوب مقررات شد (مشیرزاده، ۱۳۹۷). تلاش دولت اعتدال در گفتگو با طرف‌های خارجی، در مسیر شفاف‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای و عمل به تعهدات در چهارچوب قوانین بین‌المللی بود و در نهایت، پس از ۲۳ ماه گفتگوهای پیوسته، در تیرماه ۱۳۹۴ به توافق برجام^۱ انجامید.

از دیگر اقدامات و برنامه‌های دولت مصالحه‌گر و اعتدالی روحانی، «ائتلاف امید» یا «ابتکار صلح هرمز»^۲ مبتنی بر دکترین امنیتی و حفظ صلح و ثبات در منطقه خلیج فارس در سال ۱۳۹۸ بود. از نظر دولت تدبیر و امید، این گونه توافقات بین‌المللی، بر پایه اصول مهمی

1. Joint Comprehensive Plan Of Action (JCPOA)

2. Hormuz Peace Endeavor

همچون پابندی به تعهدات، گفتگو، احترام متقابل، عدم تجاوز، حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات صورت می‌گرفت (رضاپورقوشچی و مقصودی، ۱۳۹۸)؛ این وضعیت چندان پایدار نبود و با آغاز دوباره منازعات و اختلافات سیاسی میان موافقان و مخالفان برجام، تنش‌های سیاسی و تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران بیشتر شد. برخی از دلایل ایجاد فضای ناصح پس از توافق برجام عبارتند از:

۱. به کارنگرفتن استراتژی صلح و مدارا با رقبای داخلی و بین‌المللی از سوی جناح‌ها و گروه‌های سیاسی؛
۲. خط‌مشی استکبارستیزی و خاصه آمریکاستیزی، به‌عنوان یکی از گفتمان‌های غالب پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز؛
۳. رویکرد آرمان‌گرایی انقلابی که با اولویت دادن به مصالح انقلابی-اسلامی، مروج ایدئولوژی مقاومت و عدم به‌کارگیری صلح و سازش است (قنبرلو، ۱۳۹۶).

۵. مسئله‌شناسی اندیشه‌های دینی صلح‌گرا

در این بخش که شاید اصلی‌ترین بخش از اندیشه‌پژوهی است، به مسائل و دغدغه‌های متفکران اندیشه‌های دینی صلح‌گرا خواهیم پرداخت. اندیشه‌ها در مواجهه با معضلات، بحران‌ها و مشکلات پدید می‌آیند و اندیشمندان، ابتدا با شناسایی آن‌ها، راهکارهایی جهت حل آن ارائه می‌دهند. برخی از مسئله‌های اندیشه‌های دینی صلح‌گرا عبارتند از:

۵-۱. منازعات و اختلاف‌های سیاسی میان افراد و گروه‌ها

مهدی بازرگان از جمله متفکرانی است که منازعات و اختلاف‌های سیاسی میان افراد، گروه‌ها و جریان‌ها در ایجاد فضای ناصح در دوره جمهوری اسلامی مسئله فکری آن‌ها بود. به اعتقاد بازرگان تا پیش از انقلاب اسلامی میان افراد و گروه‌ها و جریان‌های سیاسی درگیر انقلاب، هماهنگی، همکاری، ائتلاف و وحدت کلمه حاکم بود. او در توصیف اوضاع سیاسی-اجتماعی این دوره، مفهوم «حرکت رو به مرکز»^۱ (از مفاهیم علم فیزیک) را به کار می‌گیرد؛ باین‌حال، پس از پیروزی انقلاب و تشکیل دولت موقت، میان آن‌ها،

1. centripetal

پراکندگی، تفرقه، مخالفت، تخاصم و طرد، جایگزین آن شد که بازرگان آن را «حرکت گریز از مرکز»^۱ تعبیر می‌کرد (بازرگان، ۱۳۶۳، صص. ۱۴-۱۱).

بازرگان مخالفت و انتقاد قانونی را نفی نمی‌کند و حتی آن را ضامن بقای یک نظام عادلانه و استمرار آن را برای تعالی و شکوفایی جامعه، لازم می‌داند (بازرگان، ۱۳۸۹، ج ۱، صص. ۱۲۷-۱۲۶). از نظر او یکی از پیامدهای اختلاف‌ها و منازعات میان افراد و گروه‌ها پس از انقلاب، «تفوق و انحصار حزبی گروه‌های اسلام‌گرا یا مکتبی بود»^۲ (بازرگان، ۱۳۶۳، ص. ۱۲۸). به باور بازرگان، سلب حیثیت از مخالفان، ادعای برتری، سلطه، تملک بر جان و ایمان مردم، نماد بارز «استعلا» بوده و بسیار بدتر از استثمار، استعمار و یک پله بالاتر از استکبار است؛ همان خصلتی که در قرآن به فرعون و فرعونیان تشبیه و توصیف شده است^۳ (بازرگان، ۱۳۶۳، ص. ۱۳۷).

به نظر بازرگان، شکل‌گیری روحیه «بیگانه‌ستیزی» و «استکبارستیزی» در عرصه سیاست خارجی از دیگر اثرات رویکرد انقلابی گروه‌های اسلام‌گرا بود؛ چیزی که در مکتب و مرام «مارکسیسم بین‌الملل»، مبارزه با امپریالیسم و آمریکاستیزی تعبیر می‌شد که باید با آنتی‌تز انقلاب نابود می‌شد.

از نظر او، اوج چنین رویکردی در رخداد تسخیر سفارت آمریکا بود که نوعی جو «انزجار»، «استعجاب» و «ابهام» علیه انقلاب اسلامی در عرصه بین‌الملل پدید آورد و در بُعد داخلی؛ تخاصم و تفرقه میان افراد و گروه‌های سیاسی، رادیکالیسم انقلابی، انحصارگری، مکتب‌گرایی، نفی ملی‌گرایی، ترویج و استقبال از فرهنگ شهادت و ایثارگری، ستیزه‌جویی را نهادینه کرد (بازرگان، ۱۳۶۳، صص. ۱۰۵-۹۶). بازرگان ضمن اشاره به آثار و پیامدهای منفی چنین رویکردی در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برای کشور، آن را «خودویرانگری» می‌نامد (بازرگان، ۱۳۸۹، ج ۱، صص. ۱۸۲-۱۸۱).

1. centrifuge

۲. درباره تقسیم‌بندی دو گروه مکتبی و غیر مکتبی، در روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۱۳۶۰/۱۱/۲۴، چنین آمده است: «شورای انقلاب را می‌توان به دو جریان تقسیم کرد؛ یکی جریان معتمد به خط فقاقت و اسلام و دیگری، جریان بی‌اعتقاد به خط فقاقت یا لااقل بی‌اعتنای به آن...».

۳. قصص (۲۸): ۴

۲-۵. بازخوانی جنگ طلبانه اسلام

یکی از مسئله‌هایی که متفکران اندیشه‌های دینی صلح‌گرا در باب آن اندیشه‌ورزی نموده‌اند، «بازخوانی جنگ طلبانه اسلام» است تا اسلام را دین شمشیر معرفی کنند و متفکرانی مثل صالحی نجف‌آبادی، مهدی بازرگان، محقق داماد، محسن کدیور و علی‌اکبر علیخانی به آن پرداخته‌اند. در این باره دو دیدگاه کلی وجود دارد:

دیدگاه نخست: متفکرانی که با مراجعه به متون دینی شامل آیات قرآن، سیره پیامبر (ص) و امامان شیعه و با روش استنباط عقلی، به موضوع صلح‌گرایی دینی می‌پردازند. این گروه از اندیشمندان با کندوکاو درباره‌ی واژه‌ی «جهاد» در قرآن و با استفاده از روش «تفسیری»^۱ و «استنباط عقلی»، تلاش می‌کنند تا چهره‌ای رحمانی از اسلام معرفی نمایند. آن‌ها با بررسی سایر منابع دینی، شامل سیره پیامبر (ص) و احادیث امامان شیعه معتقدند که مفهوم جهاد، بسیار گسترده‌تر از واژه‌هایی همچون «قتال» و «ارهاب» است. از نظر اینان، بر مسئله جهاد، قواعدی مترتب است که در زمان جنگ، لازم‌الاجراست. نمونه‌هایی از آن قواعد شامل موارد ذیل است:

۱. مطابق با فطرت و وجدان انسان و قواعد فقهی، اسلام مخالف جهاد ابتدایی است؛ چراکه در اجتماعات بشری، اساساً صلح حالت اصلی و طبیعی است و جنگ، حالت عَرَضی و ثانوی (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۴۰؛ ۱۳۴۱؛ ۱۳۷۶). همچنین منابع اسلام، کرامت انسانی را به‌عنوان یک اصل مهم در نظام آفرینش و دین اسلام نشان می‌دهد (علیخانی، ۱۳۸۵) که تحت هیچ شرایطی از انسان زدوده نمی‌شود، یعنی کرامت انسانی را بخشی از ذات انسان می‌داند که هم‌زمان با دمیده شدن روح الهی در انسان، در وجود او تجلی پیدا کرد (علیخانی، ۱۴۰۰، صص. ۸۶-۸۲، ۶۹-۶۷).

۲. بررسی قواعد و احکام اسلام، نشان می‌دهد که همه جنگ‌ها در اسلام، از نوع «دفاعی» بوده‌اند که از این نوع جهاد با عنوان «جهاد دفاعی اخلاقی» نیز یاد شده است (کدیور،

۱. درباره تقسیم‌بندی دو گروه مکتبی و غیر مکتبی، در روزنامه جمهوری اسلامی مورخه ۱۳۶۰/۱۱/۲۴، چنین آمده است: «شورای انقلاب را می‌توان به دو جریان تقسیم کرد؛ یکی جریان معتمد به خط فقاقت و اسلام و دیگری، جریان بی‌اعتقاد به خط فقاقت یا لااقل بی‌اعتنای به آن...».

۱۴۰۳). براین اساس، جنگ صرفاً در راه خدا و رضای خالق و دفاع از جان و مال و دفع فتنه دشمن مجاز است؛ نه به منظور کشورگشایی، تعرض، انتقام‌جویی، جاه‌طلبی و برتری‌جویی استکباری (بازرگان، ۱۳۶۳، صص. ۱۶۲-۱۵۷). دامن زدن به هرگونه برخورد خشونت‌آمیز در روابط بین‌الملل ناقض حقوق انسان‌هاست؛ زیرا در دین اسلام، خشونت ذاتاً یک عمل غیراخلاقی و غیرقانونی است که هیچ دلیل و توجیهی نمی‌تواند آن را موجه و مشروع کند (علیخانی، ۱۳۹۳، ص. ۱۶).

۳. در اسلام، جنگ برای تحمیل عقیده و دین نیز جایز نیست؛ زیرا عقیده یک امر درونی و فطری است که با زور و تحمیل به دیگری حاصل نمی‌شود^۱، بلکه فقط با موعظه و حکمت باید صورت گیرد (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲، صص. ۲۷-۱۵؛ بازرگان، ۱۳۶۳، صص. ۱۵۷-۱۶۲).

۴. دین اسلام صلح و هم‌زیستی را نه تنها با کفاری که مزاحمتی برای مسلمانان ایجاد نکرده‌اند، نهی نمی‌کند^۲ بلکه به هم‌زیستی بین‌المللی نیز دعوت می‌کند (بازرگان، ۱۳۸۹، ج ۲، صص. ۲۷۱-۲۶۸؛ علیخانی، ۱۳۹۳، صص. ۳۰-۲۷).

۵. در دین اسلام، صلح به‌عنوان یک اصل زیربنایی و بنیادی در روابط اجتماعی است که باید در ایجاد و نگهداری آن کوشید. پس تا زمانی که بیگانگان خواهان صلح و هم‌زیستی با مسلمانان باشند، باید بر اساس آن عمل کنند و تخلف از آن جایز نیست^۳. حتی اگر دشمن مهاجم، مدتی بعد به صلح تمایل نشان داد، باید از آن استقبال کرده و تلاش کنند میان طرف‌های درگیر، صلح را برقرار نمایند^۴ (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۷، صص. ۴۵۲-۴۴۶).

دیدگاه دوم با استناد به مبانی «حقوق اسلامی» و با رهیافت «حقوق بشر دوستانه اسلامی» به مسئله بازخوانی جنگ‌طلبانه اسلام می‌پردازد که از سوی سید مصطفی محقق داماد مطرح شده است (محقق داماد، الف، ۱۳۹۸، صص. ۷۱-۶۹). او با تفکیک میان «حقوق بشر» و «قوانین بشر دوستانه»، معتقد است حقوق بشر، ناظر بر انسان‌گرایی و قوانین مبتنی بر انسان‌محوری

۱. بقره: ۲۵۶.

۲. ممتحنه: ۸.

۳. انفال: ۶۱.

۴. حجرات: ۹.

اومانيسم) است؛ اما قوانين انسان دوستانه، به «اصالت انسانی» و «کرامت انسانی» او ارتباط دارد (محقق داماد، ۱۳۷۵).

۳-۵. به کارگیری برخی از قواعد فقهی در تجویز کشتار

از نظر مصطفی محقق داماد، گاهی برخی از قواعد فقهی در اسلام مانند قاعده «ضرورت» بر اعمال برخی از مقررات جنگ تأثیر منفی گذاشته و سبب شده است از سوی برخی رجال سیاسی یا مذهبی، دستورات دینی در صدور جواز خشونت و حتی کشتار صادر شود؛ به طوری که ارتکاب برخی اعمال ممنوعه، مثل به کارگیری تسلیحات کشتار جمعی در جنگ و اهداف غیرنظامی اعم از قتل غیرنظامیان در شهرها و روستاها و نیز تخریب محیط زیست را تحت شرایطی مجاز می شمارد.

در این باره برخی با استناد به آیه ۶۰ سوره انفال بر این باورند که ساخت، تجهیز و به کارگیری تسلیحات کشتار جمعی، حتی در شرایط غیر ضروری نیز مجاز است (زکریایی، ۱۳۷۹، صص. ۵۷-۵۱).^۱ با اطلاق آیه مزبور، آیات دیگری همچون آیه ممنوعیت «اعتداء» و «فساد»، دارای قید و شرط خواهند بود؛ بنابراین آیه مذکور نمی تواند مجوز استفاده از تسلیحات کشتار جمعی را صادر کند؛ زیرا در دین اسلام، هدف نمی تواند وسیله را توجیه کند. هدف از تشکیل حکومت در اسلام، احیا و اقامه حق و دفع باطل، تحقق عدالت و حفظ کرامت انسان هاست (محقق داماد و اخگری بناب، ۱۴۰۰).

۴-۵. قرائت رسمی از دین

از دیگر مسائل و علل ایجاد شرایط ناصح و تولید خشونت سیاسی و اجتماعی در جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی، «قرائت رسمی از دین» است که از سوی محمد مجتهد شبستری مطرح شده است. از نظر او، قرائت رسمی از دین، قرائتی مطلق و جهان شمول و بی بهره از دانش هرمنوتیک و انتقادی از دین ارائه می دهد و دین را دارای نظام ثابت و جاودانه در

۱. تلفیقی از کمونیسیم و سوسیالیسم است که علی اکبر علیخانی آن را مطرح کرده است. او کمونیسیم را وجه سیاسی مارکسیسم و سوسیالیسم را بخش اقتصادی و اجتماعی آن می داند (علیخانی، ۱۴۰۲).

امور سیاسی، اقتصادی و حقوقی برآمده از فقه تفسیر می‌کند. این نوع قرائت، مدعی است که وظیفه حکومت در میان مسلمانان، اجرای احکام اسلام نه بر اساس رویکرد عقلایی، بلکه صرفاً مبتنی بر کتاب و سنت است؛ چنین قرائتی از دین، با روند صحیح دموکراسی و مشارکت سیاسی تعارض خواهد داشت که به دنبال «تئوریزه کردن خشونت» در جامعه علیه نسل جوان، اعم از زنان، متفکران، اندیشمندان، دگراندیشان، هنرمندان و دانشگاهیان است (مجتهد شبستری، ۱۳۹۰، صص. ۳۸-۳۰؛ ۱۳۷۵، صص. ۳۴-۱۱؛ پورفرد، ۱۴۰۰).

۵-۵. ایدئولوژی‌گرایی

در بحث ایدئولوژی‌های خشونت‌گرا به اندیشه‌های بازرگان، سروش و علیخانی پرداخته‌ایم. افراد، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی که دیدگاه‌ها و مرام ایدئولوژیک دارند می‌توانند یکی از علل ایجاد وضعیت ناصح و خشونت در اشکال مختلف باشند. از نظر متفکران اندیشه‌های دینی صلح‌گرا، ریشه افراط‌گرایی، تندروی و خشونت‌های ایدئولوژیک در جامعه و فرهنگ سیاسی ایران و پدیده‌هایی مثل «غیریت‌سازی»، «دوقطبی‌سازی «خود - دیگری» و «خودی - غیرخودی» و «تفرزایی» را در چند علت اصلی زیر می‌توان دسته‌بندی کرد: اول اینکه «انگیزه‌های اسلامی» در قالب دین ایدئولوژیک که چهره‌ای خشن، خشک، عقل‌ستیز و غیریت‌ساز از اسلام به تصویر می‌کشند. به تعبیر سروش، این نوع تلقی از دین، دستاوردی جز «لاغر کردن و به زندان افکندن» آن نخواهد داشت؛ چراکه اساساً دین، بسی فربه‌تر و گسترده‌تر از ایدئولوژی است (سروش، ۱۳۷۲).

دوم اینکه ایدئولوژی کُمسوسیالیسم یا همان فرهنگ ریشه‌دار چپ مارکسیستی و کمونیستی که به‌طور عمیق وارد جامعه ایران شده و فرهنگ، دین، مذهب و نگرش‌های سیاسی اجتماعی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. به اعتقاد علیخانی این ایدئولوژی به تدریج در ذهن و ضمیر ایرانیان وارد شده و کاملاً بومی جلوه کرده است (علیخانی، ۱۴۰۲، صص. ۲۶۴-۲۵۵).

۶-۵. رسوخ خشونت جاهلی در فرهنگ اسلام

یکی از مسائل بنیادینی که علیخانی مطرح کرده، رسوخ خشونت‌های عصر جاهلیت در فرهنگ اسلامی پس از رحلت پیامبر^(ص) است. به باور او، باوجود اینکه در قرآن و سنت، راهبردهای فراوانی برای صلح و هم‌زیستی وجود دارد و همه آیات جنگ و جهاد در قرآن، دفاعی است و هیچ آیه‌ای اجازه آغاز هیچ جنگ و خشونتی را نمی‌دهد و همه جنگ‌های پیامبر^(ص) صرفاً دفاعی بوده است؛ اما از زمان رحلت ایشان تا به امروز، جهان اسلام با انواع جنگ‌ها، خشونت‌ها و خونریزی‌ها به اسم اسلام درگیر بوده که تا به امروز ادامه یافته است. علیخانی در کتاب *اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز* در تلاش است نشان دهد رویکردهای خشونت‌آمیز، از دوره جاهلیت وارد اسلام شده و در سده‌های بعد و در پیوند با کانون‌های قدرت و ثروت، خود را بازتولید کرده و استبداد حاکمان نقش اساسی در آن داشته است (علیخانی، ۱۳۹۳، صص. ۲۴۰-۲۳۴). او ریشه‌های افراطی‌گری، تندروی و خشونت در برخی کشورهای اسلامی را در فرهنگ این کشورها می‌داند که ربطی به اسلام اولیه به معنی قرآن و سنت ندارد. باین حال، طبیعی است که افراد و گروه‌های سیاسی از ظرفیت و قابلیت دین و مقدسات در جهت تحریک مردم، جلب و جذب طرفداران و توجیه رفتارهای خود استفاده کنند (Alikhani, 2022).

۷-۵. خلط‌های معرفت‌شناختی در فهم دین

از دیگر علل گسترش خشونت و افراط‌گرایی در جوامع دینی و در جهان اسلام، خطاهای نظری، مفهومی و معرفت‌شناختی است که از سوی سروش، کدیور و علیخانی مطرح شده است. در این باره، سروش ریشه چنین اعمالی را در عدم تفکیک میان ذاتیات و عرضیات دین می‌داند (سروش، ب ۱۳۷۷). او همچنین معتقد است که تلقی «اکثری از دین» به جای «دین اقلی» سبب بروز این مشکلات شده است؛ زیرا دین با تمام جامعیت خود (کتاب و سنت) در اختیار ما قرار ندارد، بلکه با نواقص جدی همراه بوده و به همان صورت ناقص و ناخالص به دست ما رسیده است.

معرفت دینی و علمی بشر در حال افزایش است و آیندگان شاید بسی آن را پیراسته‌تر و دقیق‌تر از گذشته به دست آورند (سروش، الف ۱۳۷۷). علیخانی از ده خلط مفهومی - معرفتی

در فهم دین سخن می‌گوید که منشأ خشونت و افراط‌گرایی شده که عبارتند از: عدم تفکیک بین اسلام و مسلمانان؛ عدم تفکیک بین اسلام و فرهنگ اسلامی؛ عدم تفکیک بین اسلام و علوم اسلامی؛ عدم تفکیک بین اسلام تاریخی و اسلام فراتاریخی؛ عدم تفکیک بین اسلام دنیوی و اسلام اخروی؛ عدم تفکیک بین اسلام نظام‌مند و اسلام متناقض؛ عدم تفکیک بین اسلام و مسائل کشورهای اسلامی؛ عدم تفکیک بین اسلام و موضوعات عقلی و انسانی؛ عدم تفکیک بین شخص پیامبر^(ص) و مؤمنان و عدم تفکیک بین شرایط حضور پیامبر^(ص) با شرایط غیر حضور (علیخانی، ۱۴۰۲، صص. ۲۶۴-۲۵۵).

مسئله دیگری که مطرح می‌شود، تضاد میان مبانی فکری نواندیشان دینی و سنت‌گرایان مستنبط از کتاب و سنت است؛ تضادی که از یک سو بر پارادایم سنتی کلامی و فقهی و از سوی دیگر بر تفسیر عقلانی و حقوق بشری از دین اصرار دارد. در این زمینه دو نکته قابل طرح است: نخست آنکه سنت‌گرایان، به دلیل عدم اصلاح اندیشه اقتدارگرایانه گذشته، از طرح مبانی معرفتی سازگار با ساختار سیاسی دموکراتیک ممانعت می‌کنند؛ بنابراین جلوگیری از گذار به ساختارهای دموکراتیک، خود یکی از عوامل خشونت‌زا محسوب می‌شود (سروش، الف، ۱۳۷۷).

دوم آنکه ممکن است میناشناسی سنت‌گرایانه - اعم از هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، دین‌شناختی و خداشناسی - مبتنی بر صلح، همزیستی و مدارا نباشد. برای نمونه، در مبانی خداشناختی باید دید تلقی آنان از خداوند چیست: «شدیدُ العقاب» است یا «کَتَبَ عَلَی نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ»؟ همچنین در تصویر آنان از دنیا، این جهان نه مزرعه آخرت، بلکه عرصه کيفر مجرمان و خطاکاران معرفی می‌شود. تجلی چنین برداشت‌ها و تصویرسازی‌هایی از خداوند و جهان در رفتار پیروان، می‌تواند زمینه‌ساز خشونت و افراط‌گرایی دینی شود (کدیور، ۱۳۷۹، صص. ۷۹۸-۷۸۴).

۸-۵. کج‌اندیشی و جهل مقدس از دین

از نظر محقق داماد، یکی از دلایل شکل‌گیری تفسیرهای خشونت‌آمیز از اسلام «جهل دینی و کج‌اندیشی مذهبی» یا «جهل مقدس» است. جهلی که بر اثر آن، عده‌ای به نام خدا، اقدام به خون‌ریزی و کشتار انسان‌ها می‌کنند. این رفتارهای خشونت‌آمیز، مبتنی بر تئوری‌هایی

هستند که موجب پوشیده ماندن تمام جنبه‌های زیبایی و رحمانی دین اسلام و متعاقب آن، منزوی ساختن آن شده است.

به اعتقاد او، زمینه‌های تاریخی چنین تفاسیر خشونت‌آمیزی از اسلام، از دوران زمامداری امپراتوری عثمانی و بر مبنای دیدگاه «النَّصْر بِالرُّعْب» بوده است. مطابق با دیدگاه مزبور، با کشتار و خونریزی، باید در دل دشمن، ترس و وحشت ایجاد کرد و پس از آن، قدرت را قبضه کرد. چنین دیدگاهی، کسب قدرت و گسترش اسلام را به هر طریق ممکن، تئوریزه می‌کند (محقق داماد، الف ۱۳۹۸، صص. ۱۶۹-۱۶۷).

از نظر او، در ایران نیز عده‌ای بر طبل خشونت می‌کوبند و هنگامی که کسی از اسلام رحمانی، صلح و هم‌زیستی بر اساس قاعده قرآنی تولی سخن می‌گویند، مواضع تندی علیه آن پیش می‌گیرند. چنین رفتارهایی، نتیجه کژاندیشی و کج‌فهمی دینی آنهاست (محقق داماد، ۱۳۹۲، صص. ۵۷-۳۱).

۶. راهکارهای متفکران اندیشه‌های دینی صلح‌گرا

بر اساس چهارچوب نظری و روش تحقیق لایه‌ای در اندیشه‌پژوهی، متفکران اندیشه‌های دینی صلح‌گرا پس از شناخت و تشخیص علل ایجاد ناصالح و خشونت در جامعه، راهکارهایی جهت حل آن‌ها و برقراری صلح و همزیستی میان انسان‌ها، توصیه و تجویز کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱-۶. وحدت

در سال‌های اولیه پس از انقلاب، درگیری و اختلاف میان افراد و گروه‌های سیاسی یکی از مسئله‌های مهم متفکران اندیشه‌های دینی صلح‌گرا بوده است که بازرگان و اعضای سازمان نهضت آزادی آن را «احتیاج روز» می‌نامند (توسلی، ۱۳۸۴، ص. ۵۵). راه‌حلی را که بازرگان برای رفع آن ارائه می‌دهد، می‌توان در دو بُعد نظری و عملی از هم جدا نمود. در بُعد نظری بر مفهوم «وحدت» بر اساس آموزه‌های دینی تأکید می‌کند و در این باره با استناد بر کلمه طیبه «لا اله الا الله»، راه‌های رسیدن به الله واحد و تشکیل امت واحده را در گرو حل اختلافات و درگیری‌های میان افراد و گروه‌ها می‌داند. او برای حل معضل اختلافات در

جامعه، سیره پیامبر اسلام و آیین «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» با دشمنان اسلام و روش وفق و مدارای حضرت علی^(ع) با مخالفان (حتی با ابن ملجم) را به عنوان الگوی حکمرانی و سیاست ورزی معرفی می‌کند (بازرگان، ۱۳۶۳، صص. ۸۱-۸۰).

۲-۶. کاربست احکام جنگ و صلح بر اساس آموزه‌های شیعی

یکی از راهکارهای متفکران دینی صلح‌گرا در باب جهاد، به کارگیری دیدگاه‌های انتقادی بر اساس آموزه‌های شیعی است. قواعد فقهی شیعی، به نقش سیره پیامبر^(ص) و امامان شیعه در بازنمایی معانی آیات مشابه قرآن استناد کرده است. تحقیق و صدور احکام فقهی در مورد احکام جهاد و دفاع نیز تابعی از این قواعد کلی است (فیرحی، ۱۳۸۷).
با توجه به تفاوت‌های اصولی میان دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت درباره جهاد، امروزه نقش متفکران نواندیشی دینی بر اساس نگرش‌های انتقادی در فقه شیعی اهمیت بسزایی دارد. در این باره بر مسئولیت مهم و سنگین فقها و طرح مباحث نواندیشی دینی و با رویکرد انتقادی، اجتهادی و بازنگری در متون فقهی تأکید می‌شود. در این باره فقها باید، متون فقهی را با نص قرآن و سیره پیامبر^(ص) و امامان معصوم مطابقت داده، ناخالصی‌های آن را جدا کنند تا چهره واقعی و انسانی جهاد اسلامی را به جهانیان بنمایانند (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲، صص. ۱۲-۱۱؛ ۱۳۸۸، ص. ۴۲).

۳-۶. پلورالیسم

از متفکران اندیشه‌های دینی صلح‌گرا که در باب پلورالیسم مباحث جدی مطرح کرده‌اند، عبدالکریم سروش، محمد مجتهد شبستری و محسن کدیور را می‌توان نام برد. سروش در ابتدا بحث «پلورالیسم» را با «پلورالیسم دینی» آغاز می‌کند و سپس به «پلورالیسم سیاسی» می‌رسد که پیش‌زمینه مباحث مربوط به «دموکراسی» است.

سروش در نظریه قبض و بسط تئوریک شریعت می‌کوشد تا نشان دهد فهم ما از متون دینی ضرورتاً متنوع و متکثر است و قائل به فهم واحد از آن نیست و نه تنها متنوع و متکثر است، بلکه سیال نیز هست؛ چراکه اساساً متن دین صامت است و ما همواره در فهم و تفسیر متون دینی، از انتظارات، پرسش‌ها و پیش‌فرض‌هایی کمک می‌گیریم که خارج از دین

تولید می‌شوند و چون هیچ تفسیری بدون اتکا بر انتظارات، پرسش‌ها و پیش‌فرض‌هایی ممکن نیست، ناچار تفاسیر متنوعی از آن داده می‌شود (سروش، ۱۳۷۴).

پلورالیسم دینی مسیری به گفتگوی ادیان و مذاهب، باور به کثرت عقاید و باورها، تساهل و مدارا نسبت به عقاید و باورهای دیگران و عدم اجبار به پذیرش عقاید خود به دیگری است؛ بنابراین پذیرش پلورالیسم دینی به‌عنوان یک واقعیت، به عدم انحصارطلبی حقیقت و در نتیجه منجر به تناسب و سازگاری دین با سیالیت تجربه دینی خواهد شد (مجتهد شبستری و همکاران، ۱۳۷۴).

از نظر متفکران دینی صلح‌گرا، جامعه مستعد پلورالیسم سیاسی، جامعه‌ای بدون تفسیر و مفسران رسمی و بر اساس عقل کثرت‌اندیش (تجربت‌اندیش) و نه وحدت‌کیش، سرشار از مدارا و تساهل سیاسی و حزبی و برخوردار از جریان آزاد اطلاعات است (سروش، الف، ۱۳۷۶، ص. ۴۸؛ ب، ۱۳۷۶؛ سروش و کدیور، ۱۳۷۸).

۴-۶. تولید و توسعه الهیات صلح

یکی از اساسی‌ترین پیش‌نیازهای نظریه‌پردازی درباره صلح، شکل‌دهی و گسترش «الهیات صلح» است؛ مفهومی که محمدجعفر امیرمحلّاتی آن را مطرح کرده و به باور او، الهیات صلح در سه ساحت سامان می‌یابد:

۱. اخلاق مهارجنگ که همان صلح‌ابتدایی یا صلح منفی است. منابع معرفتی در باب اخلاق مهارجنگ، شامل میراث تاریخی و علمی - فرهنگی ایران (رحیمی نژاد، ۱۴۰۲، صص. ۱۱-۲۶) و همچنین منابع دینی مانند قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و سیره امامان معصوم هستند (امیرمحلّاتی، ۱۳۹۹، ج ۱، صص. ۲۹-۲۶).

۲. اخلاق عفو، عذر و بخشایش یا صلح میانه (نفرت‌زدایی که به نقطه صفر صلح می‌رسد) است که در عین قبول ضرورت اخلاق، هرگونه خشونت، جنگ و نفرت در زندگی انسان را نفی می‌کند (امیرمحلّاتی، ۱۳۹۷، صص. ۳۴-۱۲).

۳. اخلاق دوستی، همان صلح مثبت یا صلح متعالی است. در این ساحت، به پارادایم «دوستی» به‌عنوان پارادایم تمدنی مورد نیاز انسان می‌پردازد که در سایه آن، نظام اخلاق برتر و به‌تبع آن، نظام برتر دینی قابل تعریف خواهد بود (امیرمحلّاتی، ۱۳۹۶، صص. ۴۸-۳۲).

چراکه جنگ‌ها جان انسان‌ها را می‌گیرند، ایدئولوژی‌های نفرت‌محور، روح آدمی را از بین می‌برند و نادوستی‌ها؛ معنای زندگی و خوشبختی را از ساحت زندگی، ذهن، دل و جان زایل می‌کند (امیرمحلّاتی، الف، ۱۴۰۰، صص. ۶۳-۷۴؛ امیرمحلّاتی، ب، ۱۴۰۰، صص. ۳۷۷-۳۶۴).

نتیجه‌گیری

امروزه عوامل شکل‌دهنده فضای ناصالح و انواع خشونت در جامعه ایران، متنوع و متکثرند و با اهداف و انگیزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قومی و فرهنگی بروز می‌یابند؛ عواملی که پیامدهای منفی داخلی و بین‌المللی قابل توجهی برای کشور به همراه داشته‌اند. رویکرد دینی صلح‌گرا با تکیه بر مبانی معرفتی و اخلاقی، هرگونه خشونت و کشتار را مردود می‌شمارد و می‌کوشد نخست با استناد به متون بنیادین اسلامی، خوانشی رحمانی از دین ارائه کند و سپس راهکارهایی برای ایجاد، تقویت و نهادینه‌سازی صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در جامعه توصیه و تجویز نماید. با این حال، وجود کانون‌های قدرت و ثروت و نیز برداشت‌های خشونت‌آمیز برخی افراد و گروه‌های سیاسی - اجتماعی، موانعی جدی در مسیر تحقق و نهادینه شدن چنین رویکردی در جامعه ایجاد کرده است. علاوه بر این، تحولات سریع در عصر جهانی‌سازی در ابعاد سیاسی، اجتماعی و فناوری، امکان وقوع جنگ و انواع خشونت در مناطقی از جهان، بیش از گذشته احساس می‌شود. عوامل مذکور، از جهتی امکان عملی شدن راهکارهای معرفتی اسلام را سهل و از سوی دیگر دشوار ساخته است؛ بنابراین جایگاه و اهمیت متفکران دینی صلح‌گرا در جامعه آشکار خواهد شد و ضرورت دارد که سیاست‌گذاران فرهنگی کشور، توجه ویژه‌ای برای رشد و بالندگی چنین اندیشه‌هایی در آینده داشته باشند.

منابع

- آرایش، حسن، منصوری، مهرا و رحیمی عماد، سید رضا (۱۴۰۱). نظریه جنگ عادلانه، اسلام و صلح. مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، ۴(۳۶)، ۹۳-۱۰۳.
<http://noo.rs/KY3ZQ>
- ابادری، یوسف و روزخوش، محمد (۱۳۹۶). چپ اسلامی و توسعه لیبرالی در ایران؛ مورد مطالعه: سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۶(۱)، ۴۱-۶۶. <https://doi.org/10.22059/jisr.2017.61830>
- اسلامی، روح‌الله (۱۳۹۵). پدیدارشناسی صلح در اندیشه انقلاب اسلامی ایران. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۹(۹)، ۷-۳۴.
https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir/article_44286.html
- امیرمحلّاتی، محمدجعفر (به کوشش) (۱۳۹۶). دوستی به مثابه جهان‌بینی؛ نگرشی نوین به مقوله دوستی در تمدن اسلامی و سیاست جهانی. تهران: انتشارات هرمس.
- امیرمحلّاتی، محمدجعفر (به کوشش) (۱۳۹۹). امام حسین پژوهی برای جهان معاصر. تهران: نشر نگاه معاصر.
- امیرمحلّاتی، محمدجعفر (به کوشش) (۱۳۹۷). عذر و عفو: نگاهی تطبیقی. در: امیرمحلّاتی (به کوشش)، تهران: نشر نگاه معاصر.
- امیرمحلّاتی، محمدجعفر (الف) (۱۴۰۰). هزینه‌های نجومی نادوستی. تهران: انتشارات پندار تابان
- امیرمحلّاتی، محمدجعفر (ب) (۱۴۰۰). دوستی در سپهر اندیشگی شرق و غرب. تهران: طرح نو.
- یازی، سید محمدعلی (۱۴۰۰). اصل کرامت انسانی به مثابه قاعده‌ای فقهی. تهران: سرایی بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). انقلاب ایران در دو حرکت. تهران: نهضت آزادی ایران.
- بازرگان، مهدی (۱۳۸۹). بازیابی ارزش‌ها. تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
- برخوردار، یاسر (۱۳۹۹). کاربرد راهبرد مدارای سیاسی در الگوی حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه شهید مطهری. فصلنامه علمی راهبرد، ۲۹(۲)، ۳۱-۵۵.
<https://dor.isc.ac/dor:20.1001.1.10283102.1399.29.2.2.2>

- بنی صدر، ابوالحسن (۱۳۸۰). *خاطرات ابوالحسن بنی صدر (اولین رئیس جمهوری ایران)*. به کوشش حمید احمدی، فرانکفورت؛ برلین انقلاب اسلامی: انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران.
- پورفرد، مسعود (۱۴۰۰). نقدی بر معرفت‌شناسی و تعیین‌های اجتماعی - سیاسی شبستری. *فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه*، ۹(۳۴): ۶۱-۸۲.
<https://doi.org/10.22034/sm.2021.532996.1721>
- توسلی، محمد (۱۳۸۴). *بازرگان؛ راه پاک*. مجموعه مقالات همایش علمی فرهنگی بزرگداشت مهندس بازرگان. تهران: کویر.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۹). ریشه‌های سیاست خارجی تعاملی - تقابلی ایران در دوره ریاست جمهوری دکتر احمدی‌نژاد. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۲۲، ۱۰۹-۱۳۲.
<https://noo.rs/um6Lr>
- حق‌گو، جواد و شکوهی، سعید (۱۳۹۹). *دو گانه صلح و عدالت در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی و نوگرامی‌های روابط بین‌الملل*. *پژوهش‌های سیاست اسلامی*، ۸(۱۷): ۳۱۷-۳۴۶.
<https://dor.isc.ac/dor 20.1001.1.23455705.1399.8.17.12.4>
- حقیقت، سید صادق (۱۴۰۰). *جهاد ابتدایی از دیدگاه فقه شیعه*. *فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی*، ۱۹(۷۵): ۷-۳۰.
<https://doi.org/10.22034/shistu.2022.533738.2090>
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۹ق). *محاضرات فی اصول الفقه*. قم: انصاریان.
- دلاوری، ابوالفضل، کاظمی، عباس و نازاریان، سید محمد وهاب (۱۳۹۹). *زندگی روزمره و منازعه سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی؛ از ۲۲ بهمن تا ۳۰ خرداد ۱۳۶۰*. *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱۵(۴): ۹۷-۱۴۲.
<https://doi.org/10.22034/ipsa.2020.419>
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و روحی، مهدی (۱۳۹۷). *نسبت استکبارستیزی با صلح و مذاکره در منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، ۵(۱۵): ۵۷-۸۰.
https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir/article_66123.html
- رحیمی نژاد، مرتضی (۱۴۰۲). *اخلاق مهار جنگ*. (پیشگفتار و ویراستاری محمدجعفر امیرمحلّاتی). تهران: روزنه.

- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۸). *آسیب شناسی ادبیات اجتماعی معاصر با درنگی در باب خشونت و مدارا*. تهران: کانون اندیشه جوان.
- رضاپور قوشچی، محمدرضا و مقصودی، مجتبی (۱۳۹۸). تحلیل الگو و سازوکارهای مصالحه سیاسی در ایران؛ گذار از خصومت به رقابت. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۱۰(۲)، ۵۷-۷۹. <https://doi.org/10.30465/cps.2019.4346>
- روزنامه خرداد (۱۳۷۸/۵/۱۷). با کسی که حرف حساب به گوشش نمی‌رود، چاره‌ای جز خشونت نیست. ۱(۱۸۹).
- زکریایی، محمدعلی (۱۳۷۹). *گفتمان تئوریزه کردن خشونت*. تهران: جامعه ایرانیان.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۲). فربه‌تر از ایدئولوژی. *مجله کیان*، ۱۴، ۲-۲۰. <https://ensani.ir/fa/article/21034>
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۴). *قبض و بسط تئوریک شریعت*. تهران: انتشارات صراط.
- سروش، عبدالکریم (الف ۱۳۷۶). *صراط‌های مستقیم: سخنی در پلورالیسم دینی؛ مثبت و منفی*. *مجله کیان*، ۲، ۱۶-۳۶. <https://ensani.ir/fa/article/25032>
- سروش، عبدالکریم (ب ۱۳۷۶). *مدارا و مدیریت*. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- سروش، عبدالکریم (الف ۱۳۷۷). *دین اقلی و اکثر*. *مجله کیان*، ۴۱، ۲-۹. <https://ensani.ir/fa/article/journal-number/6274>
- سروش، عبدالکریم (ب ۱۳۷۷). *ذاتی و عَرَضی در دین*. *مجله کیان*، ۴۲، ۴-۱۹. <https://ensani.ir/fa/article/26016>
- سروش، عبدالکریم و کدیور، محسن (۱۳۷۸). *مناظره درباره پلورالیسم دینی*. تهران: روزنامه سلام.
- سودمندی، عبدالمجید (۱۳۹۳). *جنگ و صلح در اسلام*. تهران: کویر.
- سیمبر، رضا، جعفری، علی اکبر و پاینده، عظیمه (۱۳۹۵). *نقش صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در بازآفرینی حرکت احیاگرانه اسلامی با تکیه بر نظرات امام خمینی*، فصلنامه ژرفا پژوه، ۳(۸ و ۹)، ۱۵۱-۱۶۹. https://tarikhname.ri-khomeini.ac.ir/article_41619.html

- شادلو، عباس (۱۳۸۶). جستاری تاریخی پیرامون تکثرگرایی در جریان اسلامی و پیدایش جریان راست و چپ مذهبی. تهران: وزرا.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۴۰). دفاع خونین یا نهضت امام حسین (ع). درس‌هایی از مکتب اسلام، ۳(۵)، ۵۰-۵۵.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۴۱). دفاع خونین یا نهضت امام حسین (ع). مجله مکتب تشیع، ۹، ۱۶۱-۱۷۸. <https://noo.rs/Y2QJU>
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۷۶). تفسیر آیه محاربه و احکام فقهی آن. مجله نامه مفید، ۹، ۶۰-۱۰۶. <https://noo.rs/ZO4jg>
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۲). جهاد در اسلام. تهران: نی.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۸). نامه سرگشاده درباره کنفرانس طائف و مسئله جنگ: نامه صالحی نجف‌آبادی به هاشمی رفسنجانی، تهران: امید فردا.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۹۷). پژوهش‌های تاریخی و حدیثی. تصحیح و تحقیق محمدعلی کوشا، تهران: کویر.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۵). کرامت انسانی و خشونت در اسلام. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۳، ۹۹-۱۲۱. https://www.ipsajournal.ir/article_54.html
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۹۳). اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز؛ چالش جهان مدرن برای زندگی؛ چالش‌ها و راهبردها. تهران: به آفرین.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۴۰۰). اخلاق اجتماعی در نهج‌البلاغه. تهران: خانه کتاب.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۴۰۱). روش لایه‌ای در اندیشه پژوهی. تهران: نشر نگاه معاصر.
- علیخانی، علی‌اکبر (۱۴۰۲). صلح ایرانی: در جستجوی مسیرهای صلح در ایران. تهران: همرخ نگاشت.
- فوزی، یحیی (۱۳۹۶). بنیان‌های صلح و همزیستی در اندیشه اسلامی با تأکید بر دیدگاه امام خمینی. فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۱۱، ۷-۲۹. https://andishehsiyasi.ri-khomeini.ac.ir/article_53737.html
- فوزی، یحیی (۱۳۸۶). استراتژی و عملکرد سازمان مجاهدین خلق در برخورد با جمهوری اسلامی. پژوهشنامه متین، ۹(۳۵ و ۳۴)، ۸۹-۱۱۲.

<https://dor.isc.ac/20.1001.1.24236462.1386.9.3435.5.9>

- فوزی، یحیی (۱۳۹۰). ابعاد، روند و عوامل مؤثر بر تحولات سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی. فصلنامه سیاست، ۴۱(۴)، ۱۹۳-۲۰۴.

https://jppq.ut.ac.ir/article_29848.html

- فیرحی، داود (۱۳۸۸). مبانی جهاد و دفاع در فقه شیعه. در: آرامش و دوستی در ادیان ابراهیمی، عبدالرحیم گواهی و دکتر غلامرضا اعوانی (به کوشش)، تهران: نشر علم.

- فیرحی، داود (۱۳۸۷). مفهوم جنگ و اخلاق نظامی در اسلام شیعی. فصلنامه سیاست، ۳۸(۱)، ۱۳۱-۱۵۹. https://jppq.ut.ac.ir/article_26951.html

- قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۶). ریشه‌های بازتولید مخاصمه ایران و آمریکا پس از توافق هسته‌ای. مجله جستارهای سیاسی معاصر، ۸(۲)، ۴۹-۷۲. <https://noo.rs/t9ifL>

- کدیور، محسن (۱۳۷۹). دغدغه‌های حکومت دینی. تهران: نی.
 - کدیور، محسن (۱۴۰۳). خدای اخلاقی و قداست زندگی: مطالعه تطبیقی قرآن و کتاب مقدس. Kadivar.com

- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵). هرمنوتیک کتاب و سنت. تهران: طرح نو.
 - مجتهد شبستری، محمد (۱۳۹۰). نقدی بر قرائت رسمی از دین. تهران: طرح نو.
 - مجتهد شبستری، محمد، صدری، محمود، صدری، احمد و فرهادپور، مراد (۱۳۷۴). پلورالیسم دینی. مجله کیان، ۲۸، ۳-۲۵.

<https://ensani.ir/fa/article/journal-number/5937>

- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۵). تدوین حقوق بشردوستانه بین‌المللی و مفهوم اسلامی آن. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۱(۱۸)، ۱۴۷-۲۰۹.

https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56666.html

- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۲). فاجعه جهل مقدس: گفتارهایی در تحلیل حادثه عاشورای حسینی. تهران: سخن.

- محقق داماد، سید مصطفی (الف) (۱۳۹۸). حقوق بشردوستانه بین‌المللی؛ رهیافتی اسلامی. تهران: سخن.

- محقق داماد، سید مصطفی (ب) (۱۳۹۸). در دادگاه جهل مقدس. تهران: سخن.

- محقق داماد، سید مصطفی و اخگری بناب، نادر (۱۴۰۰). دامنه قاعده ضرورت بر مقررات جهاد در فقه اسلامی. فصلنامه علمی حقوق اسلامی، ۱۸(۶۸)، ۷-۳۶.

https://hoquq.iict.ac.ir/article_244426.html

- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷). از گفتمان انقلاب اسلامی تا گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی. فصلنامه سیاست خارجی، ۳۲(۴)، ۴۳-۶۴.

https://fp.ipisjournals.ir/article_34886.html

- مقصودی، مجتبی و راهبر، اهورا (۱۳۹۴). نگرش انتقادی از درون به اصلاح طلبی در جمهوری اسلامی ایران؛ درس‌هایی برای مصالحه. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۱(۱)، ۲۱۳-۲۳۸.

https://www.ipsajournal.ir/article_285.html

- همتی، ایرج، دلاوری، ابوالفضل (۱۳۹۴). استراتژی جنگ و رفتار سیاست خارجی: درآمدی بر تبیین فرایند و فرجام جنگ ایران و عراق. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰(۳)، ۲۳۵-۲۶۵.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.1735790.1394.10.3.7.2>

- Alikhani, A. (2022). Islam and the nature of endless violence in the Middle East. *PRIME: International Peace Research Institute*, Meiji Gakuin University, (45), 117-129.